

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته سنج البلاغه (اصول دین و معارف علوی)

عنوان:

بررسی معناشناختی واژگان مستفرد در سنج البلاغه

استاد راهنما:

دکتر حسین چراغی‌وش

استاد مشاور:

دکتر حسین فلاحتی اصل

نخارش: کبری حیدری

بهمن ماه ۱۳۹۳



دانشگاه لرستان

باسمه تعالی

تاریخ:

شماره:

پیوست:

همه‌ی امتیازات این پایان نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب آن در مجلات، کنفرانس‌ها یا سخنرانی‌ها باید نام دانشگاه (اساتید راهنمای پایان نامه) و یا نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی ثبت گردد. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

پاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشد و به طریق علم و دانش، بنمونمان شود به هم نشینی رهروان علم و دانش
مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزی مان ساخت.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از دعاهایشان چنین می فرماید: «پروردگارا، تو با دوستانت از همه بیشتر انس می
گیری و نیازهای تو گل کنندگان را بر طرف می کنی. بر اسرار پنهانشان آگاه و به آن چه در دل دارند آشنایی. دیدگاه
های آنان و رازشان نزد تو آشکار، و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است. اگر تنهایی و غربت به وحشتشان
اندازد، یاد تو آرامشان می کند. اگر مصیبت با آنان فرود آید، به تو پناه می برند و روی به دگاه تو دارند؛ زیرا می دانند
که سررشته کارها به دست توست و همه کارها از خواست تو نشأت می گیرد. خدایا، اگر برای خواستن درمانده شوم یا راه
پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما و قلمم را به آن چه بایه رستگاری است، هدایت کن...
پروردگارا، مرا با بخشش خود بی پروا باعدل خویش، با من رفتار کن

با کسب اجازه از محضر مبارک مولایم امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام)

تقدیم به:

قطب عالم امکان حضرت حجه ابن الحسن العسكري روحی وارواخافذاه

و بر احياء کننده اسلام ناب محمدی و پایه گذار فقه پویا و منطبق با زمان و مکان، حضرت امام خمینی (ره)

و بر نیاب برحق امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دیده بان بصیر انقلاب، حضرت امام خامنه ای

همه سربازان جان بر کف پیرفرزانه انقلاب و همه زمینه سازان ظهور آفتاب در پس پرده غیبت

و تقدیم به همه شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و به ویژه شهدای هسته ای که مظلومانه شربت شهادت را

نوشیدند.

تقدیر و شکر

شکر شایان، نثار ایندمنان که توفیق را رفیق را هم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم. و تقدیر از کسی که نبی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی سخاوت، سکوت، مهربانی و دستان پینه بسته اش، پدرم راه تمام زندگیست..... پدرم دنجوشی همیشگیست.

و تقدیر فراوان از اساتید فرزانه و فریخته ای که در راه کسب علم و معرفت مرایای نموده اند؛ به ویژه اساتید با کمال و شایسته جناب آقای دکتر حسین چراغی و ش که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی زحمت راهبانی این پایان نامه را بر عهده گرفته و از هیچ کجی در این عرصه بر من دریغ ننموده، همچنین از اساتید مهربان و دلسوز، جناب آقای دکتر حسین فلاحی اصل مشاور محترم که در طول این دوره ما را از راهبانی های خویش مستفیض نمود و جناب آقای دکتر سید محمود میرزایی الحسینی که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شده اند، کمال شکر و قدردانی را دارم. باشد که این مهم، بخشی از زحمات آنان را پاس گوید. همچنین از زحمات بی دریغ خانواده ی عزیزم از صمیم قلب سپاسگزارم و از خداوند منان حسن عاقبت، سلامت و سعادت را برای همه ی آنان خواستارم.

در پایان نیز شکر خالصانه خود را خدمت همه ی دوستان و همه ی کسانی که به نوعی مراد به انجام رساندن این مهم یاری نموده اند، اعلام می دارم.

Contents

فهرست مطالب

۱-۱-۱	مقدمه	۱
۱-۱-۲	بیان مسأله	۱
۱-۱-۳	سوالات تحقیق (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)	۳
۱-۱-۴	فرضیات تحقیق	۳
۱-۱-۵	پیشینه موضوع و سوابق مربوط	۳
۱-۱-۶	ضرورت ها و اهداف تحقیق	۳
۱-۱-۷	روش پژوهش	۳
۱-۱-۸	ساختار تحقیق	۴
۱-۱-۹	مفاهیم تحقیق	۴
۱-۱-۹-۱	معنا شناسی	۴
۱-۱-۹-۲	حوزه ی معنایی	۵
۱-۱-۹-۳	محور جانشینی	۵
۱-۱-۱۰	روابط معنایی در بین واژگان هم حوزه از دیدگاه معنا شناسان	۶
۱-۱-۱۰-۱	ترادف (هم معنایی)	۶
۱-۱-۱۰-۲	تقابل معنایی (تضاد)	۷
۱-۱-۱۰-۳	شمول معنایی	۷
۱-۱-۱۰-۴	محور همنشینی (باهم آیی)	۷
۱-۱-۱۰-۴-۱	باهم آیی همنشینی	۸
۱-۱-۱۰-۴-۲	باهم آیی متداعی	۸
۱-۱-۹	فصل دوم بررسی معناشناختی واژگان متفرد حوزه ی معنایی انسان	۹
۱-۱-۲	حوزه ی معنایی انسان	۱۰

- ۱-۱-۲ واژگان متفرد در حوزه ی معنایی متعلقات انسان ۱۰
- ۱-۱-۲-۱ اعضای بدن ۱۱
- ۱-۱-۲-۱-۱ البَنان ۱۱
- ۱-۱-۲-۱-۲ الرّوع ۱۲
- ۱-۱-۲-۲ ابزار و آلات ۱۳
- ۱-۲-۱-۱-۲ السَّمط ۱۴
- ۲-۲-۱-۱-۲ أوهاق ۱۵
- ۲-۱-۲ صفات انسان ۱۷
- ۱-۲-۱-۲ رذایل اخلاقی ۱۷
- ۱-۲-۱-۲-۱ فتنه و شر ۱۷
- ۱-۱-۲-۱-۲ شَعَب ۱۷
- ۲-۱-۲-۱-۲ خوار کردن و کوچک شمردن ۱۸
- ۱-۲-۱-۲-۲ غَمَط ۱۸
- ۳-۱-۲-۱-۲ عیب جویی کردن ۱۹
- ۱-۳-۱-۲-۱-۲ همز ۱۹
- ۴-۱-۲-۱-۲ دشمنی ۲۱
- ۱-۴-۱-۲-۱-۲ لَدَد ۲۱
- ۵-۱-۲-۱-۲ بدی و دروغ ۲۳
- ۱-۵-۱-۲-۱-۲ اِمالُوسَة ۲۳
- ۶-۱-۲-۱-۲ خیانت و فریب ۲۵
- ۱-۶-۱-۲-۱-۲ مُدالْسَة ۲۵
- ۷-۱-۲-۱-۲ حرص و طمع ۲۷
- ۱-۷-۱-۲-۱-۲ جَشَع ۲۷
- ۸-۱-۲-۱-۲ کینه و دشمنی ۲۹
- ۱-۸-۱-۲-۱-۲ الوَغَم ۲۹

- ۳۱..... ۹-۱-۲-۱-۲ کم عقلی
- ۳۱..... ۱-۹-۱-۲-۱-۲ أسخف
- ۳۳..... ۱۰-۱-۲-۱-۲ پستی و حقارت
- ۳۳..... ۱-۱۰-۱-۲-۱-۲ أردل
- ۳۴..... ۱۱-۱-۲-۱-۲ ترس
- ۳۴..... ۱-۱۱-۱-۲-۱-۲ وجس
- ۳۵..... ۱۲-۱-۲-۱-۲ فریاد بلند
- ۳۵..... ۱-۱۲-۱-۲-۱-۲ لاغط
- ۳۷..... ۱۳-۱-۲-۱-۲ خواری و بدبختی
- ۳۷..... ۱-۱۳-۱-۲-۱-۲ نکد
- ۳۸..... ۱۴-۱-۲-۱-۲ سبک مغزی
- ۳۸..... ۱-۱۴-۱-۲-۱-۲ النزق
- ۳۹..... ۱۵-۱-۲-۱-۲ آلودگی و پلیدی
- ۴۰..... ۱-۱۵-۱-۲-۱-۲ الدنس
- ۴۰..... ۲-۱۵-۱-۲-۱-۲ الدرَن
- ۴۲..... ۲-۲-۱-۲ شادی
- ۴۲..... ۱-۲-۲-۱-۲ الطرب
- ۴۴..... ۳-۱-۲ اجتماعات و گروههای مردم
- ۴۴..... ۱-۳-۱-۲ الشردمة
- ۴۵..... ۴-۱-۲ دوست و دوست داشتن
- ۴۵..... ۱-۴-۱-۲ العشق
- ۴۶..... ۱-۱-۴-۱-۲ الشعف
- ۴۷..... ۲-۴-۱-۲ بسیء
- ۴۸..... ۳-۴-۱-۲ الخدين

- ۵۰..... ۵-۱-۲ جنگ
- ۵۰..... ۱-۵-۱-۲ الجَحْفَل
- ۵۲..... ۲-۵-۱-۲ الدَّعْسَى
- ۵۴..... ۶-۱-۲ مرگ
- ۵۴..... ۱-۶-۱-۲ مَدَمَّر
- ۵۶..... ۲-۶-۱-۲ ثُبُور
- ۵۷..... ۳-۶-۱-۲ أُتْعَسَ
- ۵۸..... ۴-۶-۱-۲ أرماس
- ۶۱..... فصل سوم: بررسی معناساختی واژگان متفرد حوزه ی معنایی طبیعت
- ۶۲..... ۱-۳ حوزه ی معنایی طبیعت
- ۶۲..... ۱-۱-۳ حوزه ی معنایی طبیعت بی جان
- ۶۲..... ۱-۱-۱-۳ بادها
- ۶۲..... ۱-۱-۱-۱-۳ الشَّقَّان
- ۶۴..... ۲-۱-۱-۱-۳ الهَقَّافَة
- ۶۵..... ۲-۱-۱-۳ ابرها
- ۶۵..... ۱-۲-۱-۱-۳ الکنهور-الهدیه
- ۶۷..... ۲-۲-۱-۱-۳ البعاع
- ۶۷..... ۳-۲-۲-۱-۳ الدَّح
- ۶۹..... ۳-۱-۱-۳ فلزات
- ۶۹..... ۱-۳-۱-۱-۳ الفلَز
- ۷۰..... ۲-۳-۱-۱-۳ الزُّمُرْد-الیاقوت
- ۷۱..... ۴-۱-۱-۳ رنگها
- ۷۲..... ۱-۴-۱-۱-۳ عَسَجَدِيَه

- ۷۳..... ۳-۱-۱-۴-۲ الدُّجَنَه
- ۷۴..... ۳-۱-۱-۴-۳ اَسْحَمَ
- ۷۵..... ۳-۱-۱-۵-۵ نور
- ۷۵..... ۳-۱-۱-۵-۱ البَصِيص
- ۷۷..... ۳-۱-۱-۶-۶ برج و بارو
- ۷۷..... ۳-۱-۱-۶-۱ أبراج
- ۷۸..... ۳-۱-۲-۱-۲ واژگان متفرد حوزه ی معنایی طبیعت جاندار
- ۷۹..... ۳-۱-۲-۱-۱ شتر
- ۷۹..... ۳-۱-۲-۱-۱ الناضحة
- ۸۱..... فصل چهارم: بررسی معناساختی واژگان متفرد حوزه ی حالات و صفات
- ۸۲..... ۴-۱-۱-۱-۱ چسبندگی
- ۸۲..... ۴-۱-۱-۱-۱ اَلزَّبْت
- ۸۳..... ۴-۱-۱-۲-۲ لاطئه
- ۸۴..... ۴-۱-۱-۳-۳ يَخْصِفُ
- ۸۶..... ۴-۱-۲-۲-۲ شکستن
- ۸۶..... ۴-۱-۲-۱-۱ شَدْخ
- ۸۸..... ۴-۱-۲-۲-۲ وَقِصُوا
- ۸۹..... ۴-۱-۳-۱-۳ پُر و سرشار
- ۸۹..... ۴-۱-۳-۱-۱ المُنْفَهَق
- ۹۰..... ۴-۱-۳-۲-۲ دَهَاقا
- ۹۲..... ۴-۱-۴-۱-۴ جهش
- ۹۲..... ۴-۱-۴-۱-۱ دَفِيق
- ۹۳..... ۴-۱-۵-۱-۵ تیزی
- ۹۳..... ۴-۱-۵-۱-۱ ذَرَبَ

- ٩٤..... ١-٤-٥-٢ ذَلَّاقَتِهَا
- ٩٥..... ١-٤-٦-٦ قَلت و كَمى
- ٩٥..... ١-٤-٦-١ النِّضِض
- ٩٦..... ١-٤-٧-٧ كَسْتَرْدِغى
- ٩٦..... ١-٤-٧-١ الفَاشى
- ٩٧..... ١-٤-٨-٨ دَمَا
- ٩٨..... ١-٤-٨-١ الصَّرْد
- ٩٩..... ١-٤-٨-٢ الإِحْتِدَام
- ١٠٠..... ١-٤-٩-٩ وَضُوح
- ١٠٠..... ١-٤-٩-١ تَكْشِرُ
- ١٠١..... ١-٤-١٠-١ حَرَكْت و اَضْطْرَاب
- ١٠١..... ١-٤-١٠-١ لَجَلَجَ
- ١٠٢..... ١-٤-١١-١ غَلْطِيدِن
- ١٠٣..... ١-٤-١١-١ مَتَمَرَّغ
- ١٠٤..... ١-٤-١٢-١ مِيَانَه و نَصْف
- ١٠٤..... ١-٤-١٢-١ تَشَطَّرَا
- ١٠٥..... ١-٤-١٣-١ آمِيخْتِن
- ١٠٥..... ١-٤-١٣-١ جَدَحَ
- ١٠٧..... ١-٤-١٤-١ دَخُول
- ١٠٧..... ١-٤-١٤-١ وَقَبَ
- ١٠٩..... ١-٤-١٥-١ مَانَع شَدِن
- ١٠٩..... ١-٤-١٥-١ وَاقِم
- ١١٠..... ١-٤-١٦-١ سَهْل و آسَان

- ۱۱۰..... ۴-۱-۱۶-۱ سَجُّح
- ۱۱۲..... ۴-۱-۱۷ پایمال کردن
- ۱۱۲..... ۴-۱-۱۷-۱ تَدَعَقُ
- ۱۱۳..... ۴-۱-۱۸ برانگیخته شدن
- ۱۱۳..... ۴-۱-۱۸-۱ بُعْثِرَتْ
- ۱۱۵..... ۴-۱-۱۹ زینت دادن
- ۱۱۵..... ۴-۱-۱۹-۱ نَمَّقَ
- ۱۱۶..... ۴-۱-۲۰ شکافتن
- ۱۱۶..... ۴-۱-۲۰-۱ أَبْقِرَنَّ
- ۱۱۸..... ۴-۱-۲۱ لاغری
- ۱۱۸..... ۴-۱-۲۱-۱ نَحِيفَةَ
- ۱۲۰..... نتیجه
- ۱۲۱..... فهرست منابع
- ۱۲۱..... منابع فارسی
- ۱۲۲..... منابع عربی

بررسی معناشناختی واژگان متفرد در نهج البلاغه

چکیده

در متن نهج البلاغه واژگانی وجود دارد که تنها یک بار به کار رفته است، از این رو می توان آن ها را متفرد نامید، برخی از این واژگان در حوزه ی معنایی خود مترادف دارند، ولی هیچ یک از این واژگان مترادف نمی تواند در محور همنشینی کلام جایگزین واژه ی متفرد شود، چرا که واژگان متفرد در عین اشتراکات معنایی گاه در بافت کلام بار معنایی و مفهومی گسترده تر دارند، که سایر واژگان همان حوزه معنایی این ویژگی را ندارند، و گاه استفاده از آرایه های ادبی که از میان آن ها سجع، استعاره و کنایه بیشترین کاربرد را دارد، باعث تمایز واژه ی متفرد و به کار رفتن آن در بافت کلام حضرت شده است، در این پژوهش در صدد هستیم با استخراج واژگان متفرد که برجستگی بیشتری در بافت جمله، چه از نظر معنا و مفهوم و چه از نظر جنبه ی ادبی دارند، به بررسی معانی آن ها با توجه به کتب لغت و شروح موجود، و مقایسه ی هر یک از این واژگان با واژگان مترادف هم حوزه اش پردازیم، و با توجه به معانی بدست آمده، تفاوت و فروق معنایی واژگان متفرد با سایر مترادفات در حوزه معنایی خاصش را ذکر کنیم و از این رهگذر به علت استفاده ی این واژگان متفرد در بافت کلامی مخصوص خود، و گستره ی مفهومی خاص و منحصر به فرد هر واژه و ابعاد زیبایی شناختی کلام حضرت دست یابیم. همچنین در این پژوهش آشکار شد واژگان متفرد، نسبت به واژگان مترادف هم حوزه، دارای بار معنایی و مفهومی خاص و متمایزی بودند، که آنها را با سیاق و بافت کلامی خودشان در بالاترین حد هماهنگی قرار می داد. در دستیابی به این اهداف از روش توصیفی تحلیلی بهره برده ایم.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، معناشناسی، روابط معنایی، بافت کلام، واژگان متفرد، ترادف.

فصل اول

کلیات، تعاریف و

مفاهیم تحقیق

نهج البلاغه بی تردید پس از قرآن کریم ارزشمندترین اثری است که از بعد زیبایی شناختی و محتوایی حائز اهمیت است، از این رو دارای معانی عمیق و قابل تأملی است که جز از راه فهم دقیق و عمیق عبارات آن نمی توان به معارف والايش دست یافت. یکی از ابعاد زیبایی شناختی نهج البلاغه که قابلیت تحقیق و بررسی را دارد، تحلیل معناشناختی واژگان متفرد و حوزه های معنایی آن است، این که واژه ای در نهج البلاغه تنها یک بار به کار رفته، مسئله ی قابل توجهی است، که برای دانستن این موضوع از کتاب مفردات نهج البلاغه نوشته ی علی - اکبر قرشی استفاده شد. در ادامه با بررسی معنای اصلی واژه ی متفرد و مناسبت لفظی و معنایی آن با مجموعه ی الفاظ مرتبط با آن در محور همنشینی خاصش، همچنین تناسب این واژه در عبارت مورد نظر با حال مخاطب و بافت موقعیتی کلام و مقصود حضرت علی (علیه السلام) و کمک گرفتن از شروع نهج البلاغه، می توان به بیان وجه تمایز واژه ی متفرد با سایر واژگان مترادف هم حوزه اش پرداخت. در این پایان نامه برای بالا بردن سطح پژوهش و تنوع آن، و همچنین برای شناسایی ترجمه ی صحیح واژه ی متفرد و عبارتی که در آن واژه ی متفرد ذکر شده است، از ترجمه های مختلف استفاده شده است، همچنین در موارد محدودی برای پیدا کردن مترادفات واژگان متفرد، از کتاب فرهنگ واژه های معادل نهج البلاغه نوشته ی محمد دشتی، و برای ذکر ترجمه ی آیات قرآن کریم از ترجمه ی آیت الله مکارم شیرازی استفاده شده است.

۱-۲ بیان مسأله

یکی از موضوعاتی که در مطالعات معناشناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است مسأله ی زبان شناسی و حوزه های معنایی است، در این پژوهش نیز با توجه به این اصل، به بررسی معناشناختی واژگان متفرد و حوزه های معنایی پرداخته شده است. "متفرد" از ریشه ی فرد به معنای فرید و تنهاست، یعنی واژه ای که تنها یک بار به کار رفته است، همچنین "واژه ی متفرد" واژه ای است که در مقایسه با دیگر واژگان هم معنای خود از برجستگی بیشتری برخوردار است، و به گفته ی معناشناسان واژه ی نشاندار است. این گونه به نظر می رسد واژگان متفرد تفاوت هایی با واژگان مترادف خود دارد که در شکل گیری بافت کلام و رعایت مقتضای حال مخاطب موثرتر می باشد، البته واژه های مربوط به این حوزه ی معنایی گاهی در غالب کاربرد معنای حقیقی واژگان با توجه به بحث فروق معنایی، و گاهی در غالب صور بلاغی مثل تشبیه، کنایه و استعاره به کار رفته است و برای توضیح بیشتر موضوع مورد بحث و نزدیک نمودن آن به ذهن مخاطب آمده است. در این پژوهش در صدد هستیم با استخراج واژگان متفرد و انتخاب واژگان موثر در معنای جمله و انتقالش به مخاطب از میان سایر واژگان متفرد،

و با توجه به معنای حقیقی و غیر حقیقی واژگان به علت استفاده‌ی این واژگان متفرد در بافت کلامی مخصوص خود دست یابیم.

۱-۳ سوالات تحقیق (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)

سوال اصلی: دلایل و علل به کارگیری انتخاب واژگان متفرد در نهج البلاغه چیست؟

سوال فرعی: نحوه‌ی استعمال این واژه‌ها و رابطه‌ی آن‌ها با بافت کلام چگونه است؟

۱-۴ فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: این گونه به نظر می‌رسد واژگان انتخاب شده تفاوت‌هایی با واژگان مترادف خود دارد که در شکل‌گیری بافت کلام و رعایت مقتضای حال مخاطب موثرتر می‌باشد، همین امر باعث شده که حضرت امیر (علیه السلام) واژه‌ی خاصی را برگزیند.

فرضیه فرعی: واژه‌های مربوط به این حوزه معنایی گاهی در قالب کاربرد معنای حقیقی واژگان با توجه به بحث فروق معنایی، و گاهی در قالب صور بلاغی مثل تشبیه، کنایه و استعاره به کار رفته‌اند، که در این صورت این واژگان می‌توانند طبق محور همنشینی در یک عبارت کنار هم قرار گرفته باشند و برای توضیح بیشتر موضوع مورد بحث و نزدیک نمودن آن به ذهن مخاطب آمده‌اند.

۱-۵ پیشینه موضوع و سوابق مربوط

این واژه با کلید واژه‌های متفاوتی جست‌وجو شد اما در مورد متفردات پایان‌نامه‌ای در زمینه‌ی نهج البلاغه نوشته نشده است.

۱-۶ ضرورت‌ها و اهداف تحقیق

۱- آشکار ساختن فصاحت و بلاغت سخنان امام علی (علیه السلام) در واژگان.

۲- تأمل و تدبر بیشتر در واژه‌های نهج البلاغه

۱-۷ روش پژوهش

روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات: سازمان‌دهی پیشنهادی تحقیق: مطالعه‌ی نهج البلاغه و شناسایی واژگان متفرد و پیدا کردن مترادفات با توجه به کتب لغت و بیان فروق معنایی و بررسی معانی با توجه به شروح نهج البلاغه.

۱-۸ ساختار تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف آشکار ساختن فصاحت و بلاغت سخنان امام علی (علیه السلام) در واژگان، و -
تامل و تدبر بیشتر در واژگان نهج البلاغه فراهم آمده است، در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول به بیان
کلیات، تعاریف و مفاهیم تحقیق پرداخته شده است. در فصل دوم به بررسی معناشناختی واژگان متفرد در حوزه
ی معنایی انسان، در فصل سوم نیز به بررسی معناشناختی واژگان متفرد در حوزه‌ی معنایی طبیعت، و در فصل
چهارم بررسی معناشناختی واژگان متفرد در حوزه‌ی معنایی حالات و صفات پرداخته شده است.

۱-۹ مفاهیم تحقیق

۱-۹-۱ معناشناسی

معناشناسی از علمی است که به مطالعه‌ی معنی می‌پردازد. این علم که از آن به اصطلاح (semantic) یاد شده، از واژه‌های نو افزوده به زبان انگلیسی است که نخستین بار توسط م-بر آل (m. breal) با اقتباس از زبان یونانی وضع شده بود. مدت‌ها به طول انجامید تا این اصطلاح رسمیت یافت. (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳) این واژه در زبان عربی به «علم الدلالة» مشهور است و برخی آن را «علم المعنی» می‌نامند. (عدالت نژاد، ۱۳۸۲: ۹۹) معنی دو نوع است معنی درون زمانی و معنی برون زمانی. درون زمانی؛ استفاده از زبان و واژه‌های درون آن. و برون زمانی؛ استفاده از جهان خارج از زبان است. آنچه در محدوده‌ی دانش معناشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، صرفاً معنای درون زمانی است و زبان نیز در این محدوده همانا زبان خودکار است؛ یعنی زبانی که به صورت روزمره برای ایجاد ارتباط همگانی به کار می‌رود. به این ترتیب در معنی‌شناسی به آن معانی‌ای توجه می‌شود که از درون زبان دریافت، و نیازی به داشتن اطلاعات خارج از زبان نباشد. (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۱-۲۹) سطح مطلوب برای بررسی معنی در محدوده‌ی معنی‌شناسی زبانی، جمله است زیرا به درون زبان محدود می‌شود و اجتماعی است. (همان، ۴۶-۴۷)

با توجه به این که دست‌یابی به فهم دقیق معانی یک متن، مستلزم بررسی بافت جملات آن بوده، لذا بافت و انواع آن از مباحث مهم این علم به شمار می‌رود. از میان انواع بافت دو نوع بافت زبانی و موقعیتی از کارایی بیشتری برخوردار هستند که به بیان آن‌ها می‌پردازیم. بافت زبانی (linguistic context) در واژگان و ترکیب‌هایی نمایان است که واژه را با عناصر اساسی زبان در آن مورد بررسی قرار می‌دهد و فهم هم با آن واژگان آغاز می‌گردد و لازم است که تغییر و دلالت‌های واژگان بدون وجود قرینه متناقض نباشد. (العوا، ۱۳۸۱: ۸۸) بافت موقعیتی نیز می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم جمله جدا از معنای صریح خود، و بدون

در نظر گرفتن ارزش صدق یک جمله، معنایی ضمنی بیابد و این معنای ضمنی در آن بافت قابل درک گردد. نقش بافت موقعیتی صرفاً به تعیین یا تشخیص مفهوم جملات مخاطب در باور یک مطلب، انجام یک کار، پاسخ دادن به پرسش و جز آن مطرح می‌گردد. (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۱) بنابر این یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل دلالت الفاظ، بررسی بافت آن‌هاست. بافت گاهی خود تعیین‌کننده‌ی اصلی، یا تنها عامل تعیین‌کننده‌ی معناست که محقق بدون توجه به آن در زبان به نتایج نادرستی خواهد رسید. (العوا، ۱۳۸۱: ۲۶۰)

۱-۹-۲ حوزه‌ی معنایی

یکی از موضوعاتی که در مطالعه‌ی دلالت درون‌زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مسأله‌ی حوزه‌های معنایی است که با توجه به آرای هردر (Herder) و هومبالت (Humboldt) از سوی گروهی از دانشمندان آلمانی و سویسی به ویژه ایپسن (Ipsen) و پورتسیگ (Porzic) در دو دهه‌ی دوم و سوم قرن بیستم معرفی شد و با آرای وایزگریبر (Wisgerber) با عنوان نظریه‌ی حوزه‌های معنایی یا نظریه‌ی حوزه‌ای انسجام یافت. (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۸۹) حوزه‌ی معنایی، روابط و وجود شباهت و اختلاف میان کلمات یک حوزه و یا میان کلمات یک حوزه را کشف و مشخص می‌کند، در واقع حوزه‌ی معنایی عبارت است از مجموعه‌ای از کلمات که مصادیقی مرتبط با هم داشته باشند و در واقع زیر مجموعه‌ی یک لفظ عام قرار می‌گیرند که جمع‌کننده‌ی آنهاست مانند رنگ‌های مختلف که در زیرمجموعه‌ی واژه‌ی رنگ قرار می‌گیرند. (مختار عمر، ۱۹۹۸: ۷۹) نظریه‌ی حوزه‌ی معنایی به طور عمده از آن‌چه که سوسور تحت عنوان ارزش مطرح می‌سازد، نشأت گرفته است. به اعتقاد سوسور یک مهره‌ی شطرنج نه به خاطر کیفیت ذاتی (شکل، اندازه و غیره) بلکه به خاطر عملکردش در ارتباط با مهره‌های دیگر، ارزش یک مهره‌ی شطرنج را داراست. وی معتقد است که ارزش یک نام از ارتباطش با مجموعه واژگان یک زبان معلوم می‌شود. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۲۵-۱۲۴)

۱-۹-۳ محور جانشینی

یکی از روش‌های معناشناسی بررسی واژگان بر اساس محور جانشینی است. این نوع معناشناسی به این معناست که واژگان به گونه‌ای انتخاب شوند که مناسب بافت و سیاق جملات بوده، و با واژگان منتخب در هر جمله تناسب داشته و گاهی برای غرض خاصی در جملات دیگر، با سیاق متفاوت قرار گیرند. صفوی معتقد است که الفاظ و عبارات بر محور جانشینی، بر حسب «تشابه» و ترکیب بر روی محور همنشینی، بر حسب «مجاورت» در تراز با یکدیگر قرار دارند. (صفوی، ۱۳۹۲: ۲۹۰) در رابطه‌ی جانشینی گوینده از بین اجزای یک

مقوله‌ی دستوری یکی از آن‌ها را برگزیده، بر روی محور همنشینی می‌نشانند. همچنین می‌توان در جای مخصوصی که بر روی محور همنشینی برای یک واژه از یک مقوله‌ی دستوری خاص معین شده، هر یک از اجزای آن مقوله را نشانند. رابطه‌ی جانشینی را اصطلاحاً «برابر نهادی» یا تقابل (Opposition) نیز می‌گویند. (باقری، ۱۳۷۸: ۴۳) این تغییر معنا، خاستگاه ارزش معنایی محور جانشینی است که از طریق این محور، معنا دچار دگرگونی خواهد شد، و امکان جانشینی نه تنها در کلمات به وجود می‌آید بلکه همه‌ی پدیده‌های آوایی و دستوری زبان در این محور، امکان جانشینی دارند، بنابر این جانشینی هر یک از پدیده‌های زبانی چون واج (حرف)، تکواژه (بخش)، واژه (کلمه)، گروه و جمله باعث تغییر در معنا می‌شوند. (فضیلت، ۱۳۸۵: ۲۹)

۱-۱۰ روابط معنایی در بین واژگان هم‌حوزه از دیدگاه معنی‌شناسان

۱-۱۰-۱-۱ مترادف (هم‌معنایی)

هم‌معنایی (Synonymy) یا مترادف، یکی از شناخته شده‌ترین روابط مفهومی است که از دیر باز مورد بحث و بررسی دستور نویسان ادوار مختلف قرار گرفته است. فرهنگ نویسان نیز معمولاً سعی دارند تا برای نشان دادن معنی یک واژه، واژه‌های دیگری را ذکر کنند که به نظر هم‌معنی می‌نمایند. واژگان به اصطلاح هم‌معنی ممکن است به دلیل واژه‌های هم‌نشین، نتوانند جایگزین یکدیگر شوند. به عبارت دقیق‌تر، این امکان وجود دارد که چنین واژه‌هایی محیط کاربردی متفاوتی داشته باشند. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۶) دو واژه هنگامی هم‌معنا تلقی می‌شوند که مجموعه مشخصه‌های آن‌ها یکسان باشد؛ هر چند یافتن دو هم‌معنای کامل دشوار است. به بیان دیگر، موقعی که دو واژه معانی یکسان دارند، به نظر می‌رسد که یکی از آن‌ها با کسب مشخصه‌ی اضافی و تمایز دهنده به جدایی از دیگری می‌گراید. (اس. فالک، ۱۳۷۱: ۳۵۴-۳۵۵) برای مثال واژه‌ی متفرد "الْوَهْق" که به معنای ریسمان است با واژگان "الْحَبْل، الرَّسَن، الْقَيْد و رِبْق" مترادف است، اما واژه‌ی "الْوَهْق" با کسب یک مشخصه‌ی اضافی یا مخصوص به خود متناسب با سیاق کلام، خود را از سایر مترادفات جدا می‌کند.

عوامل زیادی جهت بروز رابطه‌ی معنایی (ترادف) فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عامل واژه‌ای، زیرا در فرهنگ لغت، معنی یک واژه معمولاً با واژه‌ای دیگر شرح داده می‌شود، یا سخنگو ناچار می‌شود برای تقریب کلامش به فهم شنونده، مثال‌های زیادی از واژگان مترادف را به دلایل گوناگونی، شرح و تفسیر کند، یکی دیگر از عواملی که موجب هم‌معنایی قابل قبولی می‌شود، حاصل وام‌گیری یا تداخل لهجه‌ها، یا تعددهای زبانی است. برخی از پژوهشگران جدید تمایل به تنگ کردن دایره‌ی مترادفات دارند و برای تحقق آن شرط می‌دانند، که قابلیت ورود در بافت‌های متعدد داشته باشد، بی‌آنکه تفاوت معنایی قابل توجهی داشته باشد و